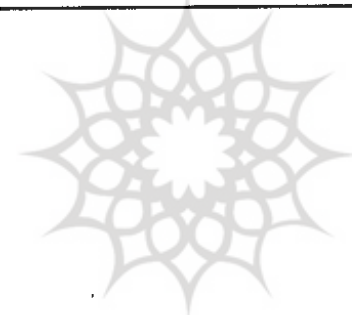


## تاریخچه کاپیتولاسیون در ایران و بی آمدهای آن (۳)

---

محمد علی اختری\*



شوریه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



شپوهنځي ښوونځي ښوونځي  
پرتال جامع علوم انساني

## تاریخچه کاپیتولاسیون در ایران و پی آمدهای آن

### بخش دوم: کاپیتولاسیون در ایران

چون دولتهای اروپایی که با ایران روابط سیاسی و تجاری داشتند، میان نظام حقوقی و قضایی خود با نظام حقوقی و قضایی ایران تفاوت‌هایی آشکار می‌دیدند، با استفاده از تجاربی که در خاک عثمانی به دست آورده بودند، از آغاز قرن ۱۸ میلادی در صدد کسب این نوع امتیاز در ایران برآمدند و فرانسه در این راه پیشقدم شد<sup>۱</sup> و به موجب معاهده سال ۱۷۰۸ میلادی توسط لویی میشل از طرف لویی چهاردهم، پادشاه فرانسه به دربار شاه سلطان حسین فرستاده شد. تصادفاً ورود این نماینده موقعی بود که پادشاه ایران قصد تصرف مسقط را داشت، سفیر فرانسه به شاه ایران وعده مساعدت داد که کشتی‌های فرانسه را به کمک ایران بفرستد و در نتیجه شاه سلطان حسین راضی شد که معاهده‌ای را امضاء کند که تمام موارد کاپیتولاسیون موجود در عثمانی در آن ذکر شده بود. این پیمان را نماینده فرانسه به اروپا برد تا به امضاء شاه فرانسه برساند ولی مدتی طول کشید و فرانسه هم به کمک ایران نیامد تا اینکه شاه سلطان حسین در ۱۷۱۵ رضابیک نامی را به فرانسه فرستاد که ایفای به عهد شاه فرانسه را بخواهد. بالاخره رضابیک معاهده ۱۷۰۸ را تکمیل کرد و چون تکمیل این پیمان در ورسای پایتخت فرانسه بوده به معاهده

۱. دکتر محمد مصدق، کاپیتولاسیون و ایران، ص ۱۳.

ورسای معروف است. در این معاهده تمام موارد کاپیتولاسیون موجود است ولی به قول دکتر عبدالله معظمی، این معاهده جنبه قانونی نداشته، زیرا اولاً رضابیک مأمور امضای چنین معاهده‌ای نبوده است، ثانیاً معاهده مزبور به تصویب شاه ایران نرسیده تا اینکه در سال ۱۷۲۲ کنسول فرانسه در شیراز به امضای شاه ایران رسانیده است. ثالثاً خود فرانسه از این معاهده استفاده نکرده است. زیرا به موجب قانونی که در ۱۸۳۶ در فرانسه تصویب شد و چگونگی اجرای احکام را در ممالکی که رژیم کاپیتولاسیون در آنجا برقرار بوده، تدوین کرده است اسمی از ایران برده نشده است و ذکری از معاهدات ۱۷۰۸ - ۱۷۱۵ و ۱۷۲۲ هم نشده است بلکه فرانسه به موجب قانون ۱۸۵۵ حق کاپیتولاسیون را در ایران بدست آورده است.<sup>۱</sup>

ولی با توجه به قانونی نبودن پیمان ۱۷۲۲ منشأ کاپیتولاسیون در ایران معاهده فوق نیست. اکنون نظری بیانداریم به تاریخ قبل از پیمان ۱۷۲۲ و می‌بینیم که برای اولین بار انگلستان در سال ۱۶۰۰ میلادی با مسافرت برادران شرلی به ایران با مذاکره با شاه عباس موفق می‌شوند فرمانی از پادشاه ایران بگیرند که به موجب آن اتباع انگلیسی و سایر مسیحیان بتوانند آزادانه به کشور ایران آمد و رفت نموده و توقف نمایند و از حیث جان و مال و مذهب در امان باشند. ولی این فرمان چیزی جز رأفت اسلامی پادشاه ایران را نشان نمی‌دهد و همانندی با کاپیتولاسیون ندارد.

و بعد در سال ۱۶۲۶ ریشیلیو صدر اعظم فرانسه نماینده‌ای به ایران فرستاد و سپس کلبر صدر اعظم دیگر فرانسه هیأتی به نزد شاه عباس فرستاد. این هیأت از شاه فرمانی گرفت که اتباع فرانسه از پرداخت حقوق گمرکی معاف باشند ولی باز هم فرانسویان از برقراری روابط سیاسی و تجاری با ایران منصرف شدند تا اینکه در ۱۷۰۳ کمپانی هند شرقی فرانسه نماینده‌ای به دربار شاه سلطان حسین فرستاد، ولی مذاکرات او هم به جایی نرسید تا اینکه در ۱۷۰۸ لویی میشل از طرف لویی چهاردهم به ایران آمد، که در بالا به آن اشاره شد و او موفق شد پیمان ۱۷۰۸ را با ایران منعقد کند و همان طور که قبلاً

بیان شد در مواد ۱۶ - ۱۸ آن، قضاوت کنسولی در دعاوی اتباع فرانسه پذیرفته شده بود و در سال ۱۷۱۵ محمدرضا بیک نماینده ایران در فرانسه مواردی به آن عهدنامه اضافه نمود که در ماده ۱۰ آن، کنسول فرانسه مقیم ایران و کنسول ایران مقیم ماری فرانسه حق قضاوت کنسولی بدست آوردند.<sup>۱</sup>

در سال ۱۷۳۲ میلادی معاهده‌ای نظیر معاهده ۱۷۱۵ با روسیه امضاء شده که چنانکه قبلاً بیان شد پیمان ۱۷۰۸ - ۱۷۱۵ که در ۱۷۲۲ به امضاء ایران رسید و همچنین پیمان ۱۷۳۲ با روسیه به دلیل قدرت دولت صفوی هیچ‌گاه اجراء نشد و خارجیان تابع قوانین ایران بودند.<sup>۲</sup>

در سال ۱۸۰۰ سرجان ملکم نماینده شرکت هند شرقی و حکومت هندوستان در دربار ایران چنین طرحی را به دربار ایران پیشنهاد کرد ولی این طرح به جایی نرسید و پذیرفته نشد. در قرارداد ۱۸۲۳ بین ایران و عثمانی به نام ارز روم، شرط متقابل چنین حقوقی برای طرفین شناخته شد.

در قرارداد ننگین و اسارت بار گلستان که در تاریخ ۲۹ شوال ۱۲۲۸ و ۱۲ اکتبر ۱۸۱۳ در قریه گلستان از توابع قراباغ بین ایران و روسیه منعقد شده و به امضای ابوالحسن خان ایلچی از طرف ایران و ژنرال نیکولای ردیشچوف از طرف روسیه رسیده است، در فصل ۷ مطالبی ذکر شده که مقدمه‌ای بوده برای کاپیتولاسیون. ولی چون رسماً یک طرفه نبوده و ظاهراً هر دو طرف از این مزایا برخوردار بوده‌اند، لذا نمی‌توان آن را نوعی کاپیتولاسیون دانست. ولی عملاً چون روسیه دولت قوی بوده، از همان زمان شروع به اعمال حاکمیت در باب تجار خود نموده است. و اینک عین فصل ۷ و ۸ قرارداد گلستان ذکر می‌شود:

فصل هفتم: علاوه از اظهار و اقرار مزبوره بالا رأی بیضا ضیای اعلی حضرت قدر قدرت پادشاه اعظم امپراطور کل ممالک روسیه و اعلی حضرت کیوان رفعت پادشاه

۱. دکتر امیرخان سپهوند، اثر پیشین، صفحه ۴۹.

۲. دکتر محمود سلجوقی، اثر پیشین، صص ۸۴ و ۸۵.

اعظم ممالک ایران قرار یافته که ایلچیان معتمد طرفین که هنگام لزوم مأمور و روانه دارالسلطنه جانبین می‌شوند بر وفق لیاقت رتبه و امور کلی مرجوعه الشان را و برداشت و محبت نمایند و به دستور سابق وکلایی که از دولتین به خصوص حمایت ارباب معاملات در بلاد مناسب طرفین تعیین و تسکین گردیده زیاده از ده نفر عمله نخواهند داشت ایشان با اعزاز شایسته مورد مراعات گردیده به احوال ایشان هیچ گونه زحمتی نرسیده، بل زحمتی که به رعایای طرفین عاید گردد به موجب عرض و اظهار وکلای مزبور رضایی به ستم‌دیدگان جانبین داده شود.

فصل هشتم: در باب آمد و شد قوافل و در باب معاملات در میان ممالک دولتین علیتین اذن داده می‌شود که هر کسی از اهالی تجار به خصوص ثبوت اینکه درست رعایا و ارباب معاملات متعلقه دولت علیه روسیه و یا تجار متعلق دولت بهیه ایران می‌باشند، از دولت خود یا از سرحداران جانبین تذکره و کاغذ راه را در دست داشته باشند از طریق بحر و بر به جانب ممالک این دو دولت بدون تشویش آیند و هر کسی هر قدر خواهد ساکن و متوقف گشته مأمور تجارت و معامله اشتغال نمایند و زمان مراجعت آنها به اوطان خود از دولتین مانع ایشان نشوند آنچه مال و تنخواه از امکنه ممالک روسیه به ولایات ایران و نیز از طرف ایران به ممالک اروسیه برند به معرض بیع رسانیده و یا معاوضه به مال و اشیاء دیگر نمایند اگر در میانه ارباب معاملات طرفین به خصوص طلب و غیر شکوه و ادعایی باشد به موجب عادت مألوفه به نزد وکلای طرفین یا اگر وکیل نباشد به نزد حاکم آنجا رفته امور خود را عرض و اظهار سازند تا ایشان از روی صداقت مراتب ادعای آنها را تحقیق و معلوم کرده خود یا به معرفت دیگران قطع و فصل کار خواسته نگذارند که تعرض و زحمتی به ارباب معاملات عاید و اصل شود...<sup>۱</sup>

به طوری که ملاحظه شد در فصل ۷ و ۸ این قرارداد حل و فصل اختلاف تجار هر جانب به عهده وکیل یا کنسول همان دولت واگذار شده است و می‌توان آن را مقدمه‌ای بر

۱. اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز، چاپ ۱۳۷۲ از انتشارات وزارت امور خارجه، صص ۲۶۶ و

تحمیل قرارداد بعدی دانست و از کلمات «به دستور سابق» در فصل ۷ و «عادت مألوفه» در فصل ۸ معلوم می‌شود که این عمل قبل از این قرارداد هم بین ایران و روسیه معمول بوده است. ولی ظاهراً دو جانبه بوده است.

با دقت در فصلهای مرقوم می‌توان وجود نوعی کاپیتولاسیون عملی برای اتباع روسیه در ایران را نتیجه گرفت، زیرا دولت روسیه بسیار قوی و ایران دچار اوضاع نابسامان داخلی و شاه ایران سرگرم مبارزه با مدعیان سلطنت! و در نتیجه ضعف بنیه اقتصادی و سایر عوامل، عملاً ایران قادر به استفاده از مزایای متقابل قرارداد گلستان نبوده است. از طرفی در همان زمان و بلافاصله ایران مجدداً گرفتار حملات ارتش روسیه بوده است، به طوری که قرارداد گلستان برای ایران صلحی به ارمغان نیاورد، که باعث از دست دادن سرزمینهای وسیع تاریخی ایران در قفقاز گردید. سرزمینهایی که هزاران سال جزء لاینفک ایران بوده و پس از دویست سال که از جدا کردن آنها از سرزمین ایران گذشته هنوز هم مردمان آنجا خود را از نژاد ایرانی می‌دانند و ملیت و فرهنگ و مذهب آنان ایرانی و اسلامی باقی مانده است.

با وجود مراتب مذکور اکثر قریب به اتفاق مؤلفین و مورخین ایرانی و غیر ایرانی شروع رژیم کاپیتولاسیون را در ایران همان قرارداد خفت‌بار و ننگین موسوم به ترکمان‌چای منعقد بین ایران و روسیه در تاریخ ۵ شعبان ۱۳۴۳ هجری قمری مطابق دهم شهر فیورال ۱۸۲۸ مسیحی و مطابق ۱۲۰۸ هجری شمسی بین عباس میرزا نایب السلطنه فتحعلی شاه از ایران و ژنرال پاسکویچ از روسیه می‌دانند. این قرارداد دارای دو فقره پروتکل پیوست بوده که در فصل ۵ - ۷ و ۸ - ۹ پروتکل پیوست که عیناً ذکر خواهد شد حقوق کاپیتولاسیون برای دولت روسیه شناخته شده و تا صد سال تمام در ایران مورد اجرا بوده است. پروتکل پیوست قرارداد ننگین ترکمان‌چای بنام پروتکل یا عهدنامه بازرگانی میان ایران و روسیه معروف است. ناگفته نماند که اصل قرارداد ترکمان‌چای دارای ۱۶ فصل بوده و مربوط است به حل و فصل اختلافات ایران و روسیه و واگذاری مالکیت تاریخی ایران در بقیه سرزمینهای قفقاز به روسیه و پرداخت ده کرور تومان (هر کرور

معادل پانصد هزار تومان است) بابت غرامت جنگی بوده است و می‌توان ادعا کرد این قرارداد به انضمام قرارداد گلستان ننگین‌ترین قرارداد‌هایی است که یک دولت ایرانی با یک دولت خارجی منعقد نموده است و نهایت درجه استیصال، بی‌کفایتی و بی‌عقلی زمامداران وقت ایران را نشان می‌دهد. به هر حال اینک فصول ۵، ۷، ۸ و ۹ قرارداد بازرگانی ایران و روسیه ضمیمه قرارداد ترکمان چای منعقد در سال ۱۸۲۸ مسیحی ذیلاً نقل می‌شود:

«فصل پنجم: چون موافق عاداتی که در ایران موجود است برای اهالی بیگانه مشکل است که خانه و انبار و مکان مخصوص برای وضع امتعه خود به اجاره پیدا کنند لهذا به تبعه روس در ایران اذن داده می‌شود که خانه برای سکنی و انبار و مکان برای وضع امتعه تجارت هم اجاره نمایند و هم به ملکیت تحصیل کنند و متعلقان دولت ایران به آن خانه‌ها و انبارها و مکانها عنفاً داخل نمی‌توانند شد لکن در وقت ضرورت از وکیل یا کارگزار و یا کنسول روسیه استرخاص می‌توانند نمود که ایشان صاحب منصب یا ترجمانی تعیین کنند که در وقت ملاحظه خانه یا امتعه حضور داشته باشد.

فصل هفتم: همه ادعاها و امور متنازع فیها که مابین تبعه روسیه باشد بالانحصار به ملاحظه و قطع و فصل وکیل یا کنسولهای اعلی حضرت امپراطوری بر طبق قوانین و عادت دولت روسیه مرجوع می‌شود و همچنین است منازعات و ادعاهایی که مابین تبعه روس و تبعه دولت دیگر اتفاق بیفتند در حالی که طرفین به آن راضی شوند و منازعات و ادعاهایی که مابین تبعه روس و ایران واقع شود به دیوان حاکم شرع و یا حاکم عرف ولایت معروض و محمول می‌گردد و ملحوظ و طی نمی‌شود مگر در حضور ترجمان وکیل یا کنسولها. چون اینگونه ادعاها که یکدفعه موافق قانون طی شده باشد دوباره استعمال نمی‌تواند شد. هرگاه اوضاع نوعی باشد که اقتضای تحقیق و ملاحظه ثانی کند بدون اینکه وکیل یا کارگزار یا کنسول روسیه را سابقاً از آن اخبار شود ملاحظه نمی‌تواند شد و درین حالت آن امر استعمال و محکوم علیه نمی‌تواند گردید مگر در دفترخانه اعظم پادشاهی که در تبریز یا طهران باشد کذلک در حضور یک نفر ترجمان وکیل یا کنسول



روسیه.

فصل هشتم: کار قتل و امثال آن گناههای بزرگ که در میان خود رعایای روسیه واقع شود تحقیق و قطع و فصل آن مطلق در اختیار ایلچی یا وکیل یا کنسول روسیه خواهد بود بر وفق قوانین شرعیه که به ایشان در باب اهل ملت خود داده شده است. اگر یکی از تبعه روسیه به دعوی جرمی مستلزم السیاست با دیگران متهم باشد به هیچ وجه او را تعاقب و اذیت نباید کرد مگر در صورتی که شراکت او به جرم ثابت و مدلل شود و در این حالت نیز مانند حالتی که یکی از تبعه روسیه بنفسه به جرمی متهم می‌شد حکام ولایت نمی‌توانند که به تشخیص حکم جرم پردازند مگر در حضور گماشته از طرف وکیل یا کنسولهای روسیه. اگر در اماکن صدور جرم از وکیل کنسولها کسی نباشد، حکام ولایت مجرم را به جایی که کنسول یا صاحب منصبی از دایره وکالت روسیه در آنجا باشد روانه می‌کنند و استشهادهای آن که در باب برائت و شغل ذمه متهم به واسطه حاکم و مفتی آن مکان از روی صداقت مرتب و به مهر ایشان رسیده باشد و به این کیفیت به محلی که حکم جرم خواهد شد فرستاده شود این گونه استشهادهای معتبر و مقبول ادعا خواهد بود مگر اینکه متهم عدم صحت آن را اعلانیه ثابت نماید و در صورتی که متهم چنان که باید ملزم گشته فتوای صریح حاصل شود مجرم را به وکیل یا کنسول روسیه تسلیم می‌سازند که برای اجرای سیاستی که در قوانین مقرر است به مملکت روسیه بفرستند.

فصل نهم: دولتین علیتین معاهدتین اهتمام تمام در باب رعایت و اجراء شروط این معاهده خواهند داشت. حکام ولایات و دیوان بیگیان و سایر رؤسای طرفین بیم از مواخذه شدید داشته در هیچ حالت تخلف و تجاوز نخواهند کرد بل در حالتی که تکرار تخلف چنان که باید محقق شود موجب معزولی ایشان خواهد بود. خلاصه ما وکلای مختار اعلی حضرت امپراطور ممالک روسیه و اعلی حضرت پادشاه ممالک ایران که در ذیل دستخط نوشته‌ایم شروطی را که در این معاهده مندرج است و از نتایج فصل ۱۰ عهدنامه عمده است که همان روز در ترکمان چای اختتام یافته است و چندان اعتبار و قوه

خواهد داشت که گویا لفظ به لفظ در خود عهدنامه مرقوم و مصدق گشته است، منتظم و مقرر داشتیم، لهذا این معاهده جداگانه که مشتمل بر دو نسخه است به توسط ما دستخط گذاشته، به مهر ما رسید و مبادله شد. تحریراً در قریه ترکمان چای به تاریخ دهم شهر فیورال سنه ۱۸۲۸ مسیحیه که عبارت است از پنجم شهر شعبان المکرم سنه ۱۲۴۳ هجری به ملاحظه و تصدیق نواب نایب السلطنه رسید و مهر در دریای خسروی عباس به امضای وزیر دول خارجه عالی جاه میرزا ابوالحسن خان رسید. محل امضای نماینده روس.»<sup>۱</sup>

به طوری که ملاحظه می‌شود در عهدنامه مرقوم مقرر شده است:

- ۱- اگر اختلاف میان دو نفر تبعه روس باشد محاکم ایرانی حق دخالت ندارند.
  - ۲- اگر اختلاف بین یک نفر تبعه روس و یک نفر تبعه دولت دیگری غیر از ایران باشد باز هم ایران حق محاکمه و دخالت نداشت.
  - ۳- اگر اختلاف بین یک نفر ایرانی و یک نفر روسی بود ایران حق محاکمه داشت ولی با حضور کنسول و مترجم سفارت، و اگر موضوع جنایی بود حق صدور رأی با کنسول روسی بود.
- پس وضع بیگانگان در این زمان چنین بود:
- الف - اتباع روسیه که از لحاظ جرائم و اختلافات بین خود تابع کنسول روسیه بودند.
  - ب - اتباع سایر دولی که با انعقاد پیمانهای مشابه از کاپیتولاسیون بهره‌مند بودند که بعداً به آن اشاره خواهد شد.
  - ج - اتباع دولی که با ذکر شرط کامله الوداد در عهدنامه‌های خود مانند گروه‌های الف و ب بودند.
  - د - اتباع سایر دولی که نه پیمان کاپیتولاسیون داشتند و نه شرط کامله الوداد که آنها هم غالباً خود را در پناه یکی از سفارت خانه‌های دول فوق الاشعار قرار می‌دادند.
- و بطور خلاصه می‌توان گفت:

۱. اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز، صص ۳۵۲ و ۳۵۴.

- ۱ - عده‌ای از بیگانگان از حکومت قوانین داخلی معاف بودند.
- ۲ - محاکم داخلی از صلاحیت جامع و مستقل محروم بودند یعنی یا اصلاً صلاحیت رسیدگی نداشته یا با دخالت کنسول حق رسیدگی دارند.
- ۳ - قوانین کشورهای خارجی در قبال قوانین داخلی حاکمیت پیدا می‌کند و این همان حقوق بیرون مرزی است.
- ۴ - میان اتباع خارجی مقیم ایران وضع یکسان وجود ندارد.
- ۵ - از همه مهمتر دخالت عوامل و کارگزاران کشورهای دیگر در امور داخلی ایران پذیرفته شده است.

و در اجرای معاهده ترکمان چای سازمانی بنام «دیوان محاکمات خارجه» در وزارت امور خارجه تأسیس شد و دارای شعب کیفری، تجارت، بازپرسی، دادیار، دادستان و دادسرا بوده است.<sup>۱</sup> و در تمام قرن ۱۹ کنسولهای روسیه و سایر کشورهای دارای حق کامله الوداد، اتباع ایران را که با یکی از اتباع خارجی اختلاف داشتند، محاکمه می‌کردند.<sup>۲</sup> بعد از روسیه دولتهای دیگر مانند انگلستان، فرانسه، اسپانیا، امریکا، اتریش،

هنگری (مجارستان)، بلژیک، یونان، آلمان، ایتالیا و حتی دولت عثمانی با استفاده از شرط کامله الوداد دارای چنین امتیازاتی شدند و برای بهتر نشان دادن موضوع فصل نهم عهدنامه صلح بین ایران و انگلیس بعد از جنگ هرات در سال ۱۲۷۳ قمری و ۱۸۵۷ میلادی و ۱۲۳۳ شمسی ذیلاً ذکر می‌شود:

«طرفین معظمتین متعاهدین تعهد می‌کنند که در نصب و استقرار جنرال قنسولها و قنسولها و ویس قنسولها و وکلای قنسولگری هر یک از آنها در خاک دیگری حالت دولت کامله الوداد را داشته و چنانچه نسبت به اتباع و تجارت دول کامله الوداد منظور است از هر جهت، همان طور با رعایا و تجار یکدیگر نیز رفتار نمایند».

و تمام کشورهای ذکر شده با ذکر چنین موادی در معاهدات خود دارای حق قضاوت کنسولی گردیدند.

الف - دولی که با انعقاد معاهداتی صریحاً از رژیم کابیتولاسیون بهره‌مند شدند:

۱ - معاهده بین ایران و اسپانیا در ۴ مارس ۱۸۴۲ در قسطنطنیه، ۱۲۲۲ شمسی ماده ۵.

۲ - معاهده بین ایران و فرانسه، ۱۲ ژوئیه ۱۸۵۵ در تهران، ۱۲۳۵ شمسی ماده ۵.

۳ - معاهده بین ایران و آمریکا، ۱۳ دسامبر ۱۸۵۶، قسطنطنیه، ۱۲۳۶ شمسی ماده ۶.

۴ - معاهده دوستی و تجاری ایران، اتریش و هنگری ۱۷ مارس ۱۸۵۷ پاریس،

۱۲۲۷ شمسی ماده ۹ و ۱۲.

۵ - معاهده تجاری ایران و بلژیک، ۳۱ ژوئیه ۱۸۵۸، بروکسل ۱۲۳۸ شمسی ماده ۵.

۶ - معاهده دوستی و تجاری و بحریمائی ایران و یونان ۲۸ اکتبر ۱۸۶۱

قسطنطنیه، ۱۲۴۱ شمسی ماده ۹.

۷ - معاهده دوستی و تجاری ایران و ایتالیا، ۲۴ سپتامبر ۱۸۶۲ تهران، ماده ۵.

ب - دولی که به استناد شرط دول کامله الوداد از رژیم کابیتولاسیون برخوردار شدند:

۱ - ماده ۳، معاهده دوستی و تجاری ایران و سوئد و نروژ در ۲۷ نوامبر ۱۸۵۷ مطابق

۱۲۳۷ شمسی در پاریس.

۲ - ماده ۳، معاهده دوستی و تجاری ایران و سوئیس که در ۲۳ ژوئیه ۱۸۷۸ (۱۲۵۸)

در ژنو امضاء شده است.

۳ - ماده ۳، معاهده دوستی و تجاری بین ایران و جمهوری آرژانتین، ۲۷ ژوئیه

۱۹۰۲ مطابق ۱۲۸۲ شمسی در بلژیک.

۴ - ماده ۳، معاهده دوستی و تجاری ایران و مکزیک در ۴ ماه مه ۱۹۰۳ (۱۲۸۴)

شمسی) که در واشنگتن امضاء شده است.

۵ - ماده ۶ معاهده دوستی و تجاری ایران و شیلی در ۳۰ مارس ۱۹۰۲ مطابق

۱۲۸۲ شمسی در ریودوژانیرو امضاء شده است.

۶ - ماده ۴، معاهده دوستی و تجاری ایران و برزیل در ۱۶ ژوئن ۱۹۰۸ مطابق

۱۲۸۶ شمسی در ریودوژانیرو امضاء شده است.<sup>۱</sup>

### نتایج و آثار کاپیتولاسیون

از آثار این عهدنامه ننگین که به علت ضعف و نادانی سلاطین وقت و دولت مردان ایران از یک طرف و حيله و دسيسه دولت استعمارگر انگليس و زورگویی و تجاوز دولت روسيه تزاری به کشور ما تحمیل گردید، یکی این بود که خارجیان صاحب اراضی و املاک زراعی و غیر زراعی فراوانی در ایران شدند.<sup>۲</sup> از جمله قریه زرگنده در شمیران به دولت روسیه و قریه قلهدک به دولت انگلیس واگذار شد و اداره امور این دو قریه با سفارتهای روس و انگلیس بود.

کدخدایان را آنها تعیین می‌کردند و اختلافات رعایا را که تبعه ایران بودند سفارتین حل می‌کردند و کسان دیگری از اتباع ایران که به نوعی تحت تعقیب دولت قرار می‌گرفتند خود را به داخل این دو قریه می‌رسانیدند و از تعقیب مصون شده و در پناه آنها قرار می‌گرفتند. به قول مرحوم فرخ در کتاب «خاطرات سیاسی» حکومت کنندگان واقعی ایران سفرای روس و انگلیس بودند و کنسولهای این دو سفارتخانه نمایندگان جباری بودند که می‌زدند و می‌کشتند و کسی را یارای مقاومت در مقابل آنها نبود.<sup>۳</sup> و اینک چندین مثال از دخالت کنسولها و مأمورین سفارتخانه‌های خارجی در ایران ذیلاً بیان می‌شود:

۱ - در سال ۱۲۶۸ هجری قمری، میرزا حسینعلی نوری مازندرانی معروف به

بهاءالله رئیس با بیان آن روز که بر جان شاه وقت سوء قصد کرده بودند به سفارت روس در زرگنده پناهنده شد، و بعدها در پناه مأمورین رسمی سفارت روس از تهران خارج و به بغداد اعزام شد، که خود بهاءالله بعداً به این مسأله اعتراف کرده، از امپراطور روس در این

۱. جلال‌الدین مدنی، حقوق بین الملل خصوصی، ج ۱، صص ۱۱۶ و ۱۱۷ و دکتر عبدالله معظمی،

اثر پیشین، صص ۴۲ و ۴۳. ۲. دکتر محمد مصدق، اثر پیشین، ص ۱۷ بعد.

۳. سید محمد فرخ، خاطرات سیاسی، به نقل از تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج اول، ص ۴۳ از دکتر جلال‌الدین مدنی.

خصوص تشکر نمود، و به او دعا نمود.

۲- در سال ۱۳۳۱ قمری و ۱۲۹۱ شمسی، اسماعیل خان قره باغی معاون کنسولگری روس در ولایت خمسه (محال زنجان و میانه و گروس...) بدست یکی از اتباع روس کشته شد. کنسول روس به منظور استفاده از فرصت و قدرت نمایی شایع می‌کند که شیخ علی اکبر مجتهد تربت حیدریه در این قتل دست داشته و بوسیله خواهر امین التجار، داروی سمی به اسماعیل خان خورانیده است. خواهر امین التجار زیر حمایت دولت انگلیس قرار داشته و پای کنسول انگلیس در تربت حیدریه به میان می‌آید و بالاخره موضوع با گفتگوی دو سفارت انگلیس و روس پایان می‌یابد. و بدین سان حیثیت افراد ایرانی در معرض تهاجم بوده است.<sup>۱</sup>

۳- واقعه قتل گریبایدوف و عذرخواهی دولت ایران از این واقعه. درست چند ماه بعد از امضای عهدنامه ترکمان چای در ماه دسامبر ۱۸۲۸ دولت روسیه، بارون الکساندر گریبایدوف خواهرزاده ژنرال پاسکویچ را که در منازعه و مصالحه دولتین شرکت داشت به عنوان وزیر مختار به ایران فرستاد تا اسناد مصوبه عهدنامه ترکمان چای را مبادله کند، وزیر مختار روسیه از راه تبریز عازم تهران شد و در طول راه حرکات ناپسند و خشونت‌آمیزی نسبت به اهالی نموده و تعمد داشت خود را نماینده کشور فاتح در سرزمین مغلوب معرفی و ایرانیان را تحقیر کند. وی در ۱۶ ژانویه ۱۸۲۹ وارد تهران شد و در تهران هم به حرکات ناپسند و توهین‌آمیز خود ادامه داد. ابتدا میرزا یعقوب خان ارمنی خزانه دار و مباشر حرم فتحعلی شاه را که نزدیک به چهل هزار تومان پول و جواهر دزدیده بود و به سفارت روسیه پناه برده بود در حمایت خود گرفت و از تحویل او به مقامات ایرانی خودداری کرد. بعد از دولت ایران، تقاضا کرد که زنان ارمنی و گرجی را که در تهران اقامت داشتند به سفارت آن دولت تسلیم کنند، و یا اینکه خود زنان به رضایت خود نزد سفیر بروند و اطمینان بدهند که به میل خود حاضرند در تهران بمانند. اما چون زنان مزبور مدت‌ها بود در ایران اقامت داشتند و همسر و فرزند ایرانی داشتند، هیچ کدام به سفارت

نرفتند. گریبایدوف به تحریک میرزایعقوب ارمنی دستور داد تا نوکرانش سرزده و به عنف وارد خانه الهیارخان آصف الدوله شده و دو زن گرجی را که در حرم او بودند و جزء زنان عقدی وی بودند بیرون کشیده و به سفارت بردند. این موضوع باعث هیجان عمومی و تحریک احساسات مذهبی مردم تهران گردید و دکانها و بازارها را بستند و به سفارت روسیه حمله بردند و در ۱۱ فوریه ۱۸۲۹ (درست یکسال و یک روز بعد از امضای قرارداد ترکمان چای) گریبایدوف و ۳۷ نفر از همراهان وی را قطعه قطعه کردند و فقط بالتسوف نامی دبیر اول سفارت از این کشتار جان سالم به در برد.<sup>۱</sup> محرک و مشوق مردم در این قیام مردی غیرتمند و مجتهدی از روحانیون شیعه بنام میرزا مسیح استرآبادی بوده است که با ملاحظه حرکات ناپسند سفیر و شکایت و کسب تکلیف مردم چنین فتوایی را صادر کرده است.<sup>۲</sup>

دولت ایران از این حادثه نگران شده و فردی به نام میرزامسعود را با دو نامه یکی از طرف عباس میرزا برای نیکلای اول تزار روسیه و دیگری برای ژنرال پاسکویچ که دای گریبایدوف بود، فرستاد و اظهار تأسف نمود.

روسه سفیر جدیدی به نام ژنرال دالکورگی به ایران فرستاد. سفیر جدید به دربار ایران توصیه کرد که یکی از شاهزادگان درجه اول را برای عذرخواهی به دربار روسیه بفرستند و مسببین واقعه را مجازات کنند. لذا خسرو میرزا پسر عباس میرزا ولیعهد به ریاست هیأتی عازم آن دیار شد (آوریل ۱۸۲۹) و نامه‌های معذرت خواهی از فتحعلی شاه و عباس میرزا را به همراه برد. خسرو میرزا مورد استقبال نیکلای اول واقع شد، به طوری که مبلغ یک کرور تومان (پانصد هزار تومان) بقیه غرامت را به او بخشید. در این سفر محمودخان امیرنظام زنگنه و میرزاتقی خان فراهانی (امیرکبیر) همراه خسرو میرزا

۱. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، چاپ انتشارات امیرکبیر، تهران ۱۳۴۹ صص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲. مجله یاد، شماره ۲۹ و ۳۰ سال هشتم، زمستان ۷۱ و بهار ۷۲ ص ۱۹۲ بعد که شرح حال میرزا مسیح استرآبادی به تفصیل در آن آمده است.

بودند<sup>۱</sup> و سفرنامه خسرو میرزا هم چاپ شده است. فتحعلی شاه قسمت دوم توصیه دالکورکی سفیر روسیه را نیز اجراء کرد و مرحوم میرزاسیخ مجتهد را از ایران به عتبات عالیات تبعید نمود. وی مدت ۱۸ سال در عراق بود و در سال ۱۲۶۳ هجری قمری فوت کرد و در صحن مقدس علوی در نجف دفن شد.<sup>۲</sup> و سرانجام در این واقعه نه تنها میرزایعقوب و ۳۷ نفر از اعضای سفارت از جمله گریبایدوف کشته شدند و سفارت روسیه تخریب شد، بلکه از مردم هم نزدیک به ۸۰ نفر کشته شدند.<sup>۳</sup> برای مطالعه واقعه گریبایدوف و نظرات مختلف در این مورد کتب زیادی تألیف و ترجمه شد که می توان به آنها مراجعه نمود.<sup>۴</sup> و بایستی این قیام مردم را که مقدم بر نهضت تنباکو است، اولین قیام مردمی به رهبری روحانیت شیعه نامید، که متأسفانه کمتر به آن توجه شده است.

۴ - مسأله میرزا آقاخان نوری مازندرانی صدراعظم که با توطئه و دسیسه، اسباب قتل امیرکبیر رجل نامدار و ایران دوست و صدراعظم ناصرالدین شاه را فراهم آورده و خود جانشین او گردید، و در دوران صدارت خود با بستن پیمان با دولت انگلیس از حقوق ایران در افغانستان و مرو صرفنظر کرد. موقعی که خواستند او را تحت پیگرد قرار دهند رسماً خود را تبعه دولت انگلیس معرفی کرده و از مجازات فرار نمود.

۵ - دیگر از آثار شوم این عهدنامه، تشکیل قوای نظامی زیر نظر سفارت‌های خارجی بود که در ظاهر به بهانه محافظت از سفارت ولی در باطن برای حفظ منافع کشور خود

۱. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، اثر پیشین، ص ۱۳۲.

۲. مجله یاد، شماره ۲۹ و ۳۰ ص ۱۳۲. ۳. همان، ص ۲۱۸.

۴. در این خصوص می توان از آثار زیر نام برد: الف - سفرنامه خسرو میرزا، چاپ تهران، ب - تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران، سعید نفیسی در دو جلد، ج - تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض قاجاریه، پتر آوری، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، چ تهران، ۱۳۶۹، از انتشارات کتابفروشی عطایی، د - مجله خواندنیها، سال ۵ شماره ۲۷ و ۲۸ و سال چهارم شماره ۱۸، ه - مجله یاد، پیشین، و - ناسخ التواریخ، جلد قاجاریه، تألیف سپهر، ز - خاطرات وزیر مختار، نوشته اوسیمونیچ ترجمه یحیی آرین پور، چ پیام، تهران ۱۳۵۳، ح - نامه‌های الکساندر گریبایدوف درباره ایران، ترجمه رضا فرزانه از انتشارات ثقفی، تهران ۱۳۵۶، ط - مرگ وزیر مختار، نوشته نیکلایوویچ تینیانوف ترجمه مهدی سبحانی از انتشارات امیرکبیر ۱۳۵۶، ص - قتل وزیر مختار، تألیف یوری تین یانوف، ترجمه اسکندر ذبیحیان از انتشارات کتابفروشی طوس، تهران ۱۳۶۸ و بسیاری از کتب تاریخی مربوط به دوران قاجاریه.



ایجاد می‌کردند. به قول مرحوم دکتر محمد مصدق اگر بنا باشد که کنسول قضاوت کند و حکم صادر کند، برای اجرای احکام صادره خود مأمور اجراء هم لازم دارد و گاهی نیروی انتظامی فراوان لازم است، و در واقع دولتی در داخل دولت است.<sup>۱</sup>

۶- دخالت آشکار سفیر روس در حمایت از امیرکبیر به این شرح: که چون امیرکبیر به تحریک مهد علیا (مادر ناصرالدین شاه و مادر زن خود امیر) و میرزا آقاخان نوری، نوکر حلقه به گوش انگلیس و تبعه رسمی آنها مورد بی مهری ناصرالدین شاه قرار گرفت و از صدارت عظمی عزل گردید و این عمل در راستای منافع دولت انگلیس انجام گرفت، لذا دالگورکی سفیر نادان روسیه تصمیم گرفت به بهانه حفظ جان امیرکبیر غلامان سفارت را به خانه امیرکبیر اعزام کند (در حالی که خود امیرکبیر چنین درخواستی نکرده بود) ولی قبل از اینکه بتواند به تصمیم خود عمل کند، جاسوسان سفارت انگلیس مراتب را به شاه اطلاع دادند و او را ترسانیدند و از طرفی به علت اینکه همسر امیرکبیر تنها خواهر تنی شاه بود، بشدت از این عمل ترسید و با عجله دستور تبعید آن قهرمان ملی را صادر کرد و فوراً امیر و خانواده‌اش به کاشان تبعید شدند و چندی بعد به دستور ناصرالدین شاه دژخیمی از تهران اعزام و در حالی که امیرکبیر در حمام فین مشغول استحمام بود، او را به شهادت رسانیدند.

۷- از نظر سیاست داخلی: معاهده کاپیتولاسیون وسیله‌ای شد برای دخالت دول بزرگ همجوار در امور داخلی ایران، به طوری که شیرازه کار کشور از هم گسیخته شد و دولت ایران قادر به کوچکترین اصلاحی در داخل کشور خود نبود و از طرفی مردم را تشویق به پناهندگی به خارجیها و جاسوسی برای آنها می‌کردند.

برای عدم انتظام امور کشور مخصوصاً امر قضاوت مثالی ذکر می‌شود تا به عمق بی

نظمی و بی عدالتی پی ببریم:

در تواریخ قاجار ذکر شده که کسی طلبی از ظل السلطان پسر ناصرالدین شاه و حاکم اصفهان داشت و برای مطالبه مراجعه می‌نمود و جواب منفی می‌شنید تا اینکه به فکر

۱. دکتر محمد مصدق، اثر پیشین، ص ۱۷ به بعد.

افتاد نامه‌ای به شاه بنویسد و چنین نامه‌ای نوشت و در تهران به حضور شاه تقدیم نمود و شاه هم دستخطی صادر کرد خطاب به ظل السلطان که دین طلبکار را ادا کند. مردک بیچاره با هزاران امید دستخط شاه را برای ظل السلطان برد ولی ظل السلطان وقتی دستخط شاه را ملاحظه کرد، به شاکی گفت: معلوم می‌شود تو مرد پردلی هستی که شکایت من شاهزاده را به شاه برده‌ای، لذا مایلیم دل تو را به عیان مشاهده کنم و فوراً دستور داد مردک را کشتند و دل او را از سینه خارج کرده و در یک سینی به حضور ظل السلطان بردند!

۸- از نظر سیاست خارجی: چون بیگانگان بهانه‌ای برای مداخله در امور ایران داشتند، این عمل موجب رنجش دائمی در روابط بین المللی ایران با دول خارجی بوده و همیشه دولت مجبور بود برای ارضای خاطر دول خارجی هر امتیازی را که به یکی می‌داد به دیگری هم همان امتیاز یا نظیر آن را واگذار کند.

۹- از نظر اقتصادی: ایران مجبور شد برای رسیدگی به امور بیگانگان محاکم مخصوصی به نام کارگزاری ایجاد نماید، که قبلاً به آن اشاره شد و بعلاوه مخارج سنگین این محاکم برای بودجه ضعیف دولت ایران قابل تحمل نبود.

۱۰- در چنین وضعی که هیچ کس تأمین مالی و جانی نداشت، طبیعی است که خود را به یک دولت مقتدر خارجی وابسته کند و از حمایت سفارتخانه او که از قضا نیروی کافی هم در اختیار دارد بهره‌مند گردد.<sup>۱</sup> در این مورد می‌توان از فرهاد میرزا معتمدالدوله عموی ناصر الدین شاه و عباس میرزا ملک آرا برادر شاه نام برد، که مورد غضب شاه قرار گرفته و به تابعیت و حمایت دولت انگلستان درآمدند!

۱۱- از همه اینها گذشته، سفارتخانه‌ها و کنسولگریهای دول بزرگ عملاً تبدیل به محل توطئه و استخدام جاسوس از اتباع ایرانی و پرورش مأمورین سیاسی و اعزام آنها به سراسر کشور و دخالت در امور داخلی کشور شده بودند. در این خصوص می‌توان از دخالت آنان در جنگهای مذهبی بابیه با دولت ایران در مازندران، قلعه شیخ طبرسی، در زنجان و

نی ریز فارس و شورش آقاخان محلاتی در جنوب کشور و شورش سالار در مشهد و شورش عشایر کُرد و عرب و فارس در کردستان و خوزستان و استان فارس نام برد. هر کدام از این کنسولگریها و کارگزاریها مأمورین رسمی به نام وکیل الدوله در شهرهای بزرگ ایران داشتند که ظاهراً همکار آنها در امور بازرگانی و کنسولی بود، ولی سر رشته واقعی امور شهرستان محل اقامت آنها در دست آنها بود و هر کدام مرجعی بودند برای انجام توطئه و دسیسه علیه ملت و دولت ایران.

۱۲ - آخرین مطلبی که در این باره می توان گفت: قتل صنیع الدوله وزیر مالیه بوسیله یکی از اتباع روس می باشد که قاتل بدون هیچ گونه تحقیق و محاکمه ای حتی بر خلاف مقررات کاپیتولاسیون توسط روسها از ایران خارج شد و به روسیه فرستاده شد.<sup>۱</sup>



۱. دکتر جلال الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، تهران، بهمن ۱۳۶۱، ج اول، ص ۴۳.



شپڙه شڪارو علوم انساني و مطالعات فرېنڊي  
پرتال جامع علوم انساني